

سرمقاله

تعریف روشن
از دوست و دشمن

محمد هدایت

رییس جمهور غنی در محفل افتتاحیه سال جدید تقنینی مجلس شورای ملی یک بار دیگر بر دشمنی تروریست ها با دولت و مردم افغانستان تاکید و گفت که امروز تعریف ما از دوست و دشمن روشن است. رییس جمهور امروز تا حدودی این تعریف را آشکارا بیان کرد و گفت کسه علاوه بر داعش و گروه های تروریستی خارجی مستقر در افغانستان، آن عده از طالبانی که به صورت وحشیانه دست به قتل مردم افغانستان می زنند و کمر به تخریب کشور بسته اند، دشمن ملت افغانستان هستند.

این سخنان رییس جمهور در آغاز سال جدید تقنینی از چند جهت دارای اهمیت است:

یک. در گذشته ها ابهام جدی در تعریف دوست و دشمن وجود داشت و این ابهام نه از سردرگمی بلکه گمان جدی وجود داشت که از روی قصد و عمد صورت می گیرد. رییس جمهور سابق افغانستان، طالبان را بارها برادر خطاب کرد و هرگز حاضر نشد میان طالبان تکفیک قایل شود. این رویه نه تنها در پالیسی ها و استراتژی های دولت تاثیرات منفی گذاشته بود بلکه در روحیه مردم افغانستان و هم چنین نیروهای امنیتی کشور تاثیرات منفی داشت. برای مردم سوالات بسیار پیش می آمد ولی پاسخ های روشن وجود نداشت. بخشی از تناووم حیات تروریسم در افغانستان در سبایه چنین سردرگمی امکان پذیر شد. اکنون که حکومت افغانستان چنین تعریف روشنی از تروریسم ارایه می دهد، بسیاری از پالیسی ها و استراتژی ها نیز باید تغییر کند.

دو. تعریف روشن از دوست و دشمن تنها مربوط به مردم و دولت افغانستان نیست. بلکه بخشی از قضیه به طالبان و گروه های تروریستی نیز ارتباط پیدا می کند. طالبان را در نشان دهنده خورشیدی و در روزهای اخیر حمله بر دو حوزه پلیس در کابل و حمله تروریستی بر یک وکیل پارلمان در شهبازیه در راه عهده گرفته اند. هم چنین تحركات نظامی در بخش هایی از کشور به خصوص ولایت فتنودز و هلمند نیز داشته اند که نشان دهنده تناووم استراتژی جنگ از سوی طالبان است. در پرتو این تعریف رییس جمهور از دشمن، کسانی که در هر نقطه کشور دست به ترور و وحشت می زنند دشمن مردم و دولت افغانستان هستند، باید آماده یک جنگ تمام عیار از سوی نیروهای امنیتی افغانستان باشند و دیگر به صلح به عنوان یک پروسه ملی دل نبندند. سه. طرف دیگر تعریف دولت افغانستان از دوست و دشمن، کشورهایی هستند که هنوز اصرار بر حمایت از طالبان دارند. علاوه بر کشورهای دورتر، برخی از کشورهای همسایه سال ها است که از طالبان حمایت کرده اند و هم چنان اصرار بر ادامه این روند دارند. در حالی کسه طالبان به عنوان یک گروه افراطی که مرکب انواع جنایت شده است، دیگر هرگز نمی تواند، مورد اعتماد مردم افغانستان، جامعه جهانی و کسانی که باور به حقوق بشر و دموکراسی دارند، قرار گیرد. هیچ کسی امید برای به صحنه آمدن دو باره طالبان در عرصه سیاسی افغانستان ندارد. بنابراین اصرار کشورهای دور و نزدیک بر حمایت از طالبان تنها می تواند به این مفهوم باشد که این کشورها منافع خود را در آشوب و جنگ در افغانستان جستجو می کنند و در این راستا از هر وسیله ای استفاده می کنند. از این نگاه این کشورها به عنوان حامیان اصلی دشمنان مردم و دولت افغانستان، عملا دشمن محسوب می شوند.

چهار. با چنین برداشتی از دوست و دشمن از سوی رهبری دولت افغانستان، هرچند امیدواری هایی در داخل افغانستان و در میان مردم افزایش یافته است، ولی در عرصه جنگ و طرف های درگیر در جنگ از جمله طالبان و حامیان آن ها این تعریف باعث خط مشی های جدید خواهد شد. واقعیت این است که مداخلات دولت افغانستان در گذشته در برابر تروریسم و حامیان آن ها نوعی بی خیالی حامیان آن ها را سبب گردیده بود. اما اکنون حامیان طالبان و هم چنین خود طالبان باید تکلیف خود را در روابط سیاسی با افغانستان روشن کنند. آن ها اکنون تنها دو گزینه در پیش دارند: یا به ندای صلح خواهی مردم افغانستان تن دهند و دست از حمایت از تروریسم بردارند و یا در مقابل خواست مردم و دولت افغانستان بایستند.

در این تحلیل، اینکه چگونه و چرا تروریستها از ابزارهای رسانه ای استفاده می کنند و چرا و چگونه رسانه حوادث تروریستی را پوشش خبری می دهد، و در نهایت اینکه چگونه این نوع بهره گیری و پوشش خبری از جانب تروریسم و رسانه بر قربانیان تروریسم تاثیر می گذارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بکارگیری ترور خود به تنهایی بیانگر تروریسم نیست. ترور باید به عنوان یک اقدام سمبلیک و با هدف تاثیر بر رفتار سیاسی از طریق روشهای ناهنجار به کار گرفته شود. تروریسم، استفاده از زور یا تهدید استفاده از زور جهت خشونت به وسیله یک شخص یا یک گروه است، چه به واسطه قدرت حاکم صورت بگیرد یا بر علیه آن. این اقدام با هدف ایجاد ترس و تشویش فراوان و با اثر بخشی القاء ترس در یک گروه مشخص است تا اینکه بر جا گذاشتن

قربانیان، آنهم با هدف مجبور کردن جناح خاص مبنی بر پذیرش خواستهای سیاسی یا حقوق مسیبین آن. تشخیص (بصیرت) عامل اصلی توفیق ابتدایی است. اگر سردمد، قربانیان را شناسایی کردند و مورد توجه قرار دادند تروریست ها به اهداف خود نخواهند رسید و شکست خواهند خورد. در حالی که اگر مردم مسببین را مورد شناسایی و توجه قرار دهند یا حداقل بی طرف و بی تفاوت نسبت به اقدامات باشند تروریست ها موفق خواهند شد. تروریسم به هر حال از خشونت و تهدید ناهنجاری بهره می برد که قربانیان آن نیز طرف ثالث هستند تا اینکه طرف اصلی ماجرا، و موفقیت آن نیز به تشخیص مخاطبین از دلیل تروریست ها بستگی دارد تا اینکه بی گناهی قربانیان.

این تحلیل همچنین وجهه های رقابتی پیرامون نقش مخرب رسانه هنگام پوشش حوادث تروریستی بررسی می کند و اینکه خواست تروریستها و دولتها هنگام پوشش یک حادثه تروریستی چه خواهد بود. در میان همه این صدا ها، هیجانات و بدخواهی های این تحلیل خواهیم دید که، چگونه قربانیان تروریسم فصل جدیدی از همکاری و همزیستی هر سه عنصر رسانه، تروریسم و قربانیان تروریسم را جهت رسیدن به حقایق واقعی ماهیت فرقه های تروریستی هدایت خواهد کرد.

خواست تروریست ها از رسانه: تروریست ها نیاز به شهرت و خود نمایی دارند، معمولا شهرت بی هزینه ای که یک گروه بصورت عادی توانایی دستیابی و تولید آن را ندارد. هر گونه شهرت پیرامون یک اقدام تروریستی هشدار می دهد که مشکلی وجود دارد که قابل اغماض نیست و باید مورد توجه قرار گیرد. این توجه به

همزیستی رسانه و تروریسم

قسمت اول



بعد از هر حادثه آنها از رسانه می خواهند که تکنیکهای ویژه و مخفی دولت، دستاوردهای تکنولوژیکی و روشهای عملیاتی موفق و نافرجام تروریست ها، و اینکه چگونه عملیات به موفقیت انجام شد را عمومی نکرده و فاش نکنند که میباید تروریستها و حامیان آنها این موارد را تقلید کرده و بکار ببرند.

خواست رسانه از پوشش حوادث تروریستی نمونه های فراگیر اقدامات تروریستی در دهه های اخیر بوده است و تروریست ها شمار قربانیان به همان نسبت نیز رو به

افزایش است. بنابراین اینگونه گرایش به سمت حملات وحشیانه نسبت به غیر نظامیان همچنان ادامه دارد. تهدید تروریستها در استفاده از ابزارهای تخریب وسیع مایه نگرانی روزافزون است. اگر، و به عنوان اینکه تروریسم خشن تر شود، این تلقی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار

منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار

منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار

منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار منفی که رسانه تا حدی پاسخگوی تسهیل تروریسم و افزایش اثرات آن است، افزایش خواهد یافت. جوامع تحت تهدید، مستعد اتخاذ ریسک های بیشتر در جهت آثار

و شاخه های سیاسی نمایان می شود را بروز دهد. برای ترند های نظامی، جنگ پهرحال تناوم سیاست است. برای تروریست های حرفه ای سیاست مسلما تناوم ترور است.

خواست و دلیل تروریست ها اغلب با هدف کمک به مردم جهت ماحق شدن به صفوف تروریستی یا حمایت مالی به سازمانهای تروریستی است و منفور و کافر جلوه دادن قربانیان تروریسم است و این توفیق در ماجرای عراق و سوریه به خوبی به واسطه سیاست رسانه ای غرب و منطقه به تحقق رسید.

خواست رهبران دولتها از رسانه: آنها در پی فهماندن مناسب نسبت به دلیل اقدام تروریستی خود هستند اگر چه نه در قبال اقدام تروریستی خود. ممکن است کسی با اقدام آنها موافق نباشد اما ضرورتا این امر مانع از ابراز همدردی نسبت به رنج و دلیل اقدام آنها نمی شود. تروریست ها معتقدند که سردمد نیاز دارند به کمک در فهم اینکه دلیل آنها به حق است و خشونت تروریستها تنها اقدام ممکن آنها بر علیه نیروها و تشکل های دولتی به قول آنها ضرورت و خصمانه است. در این مورد رابطه خوب با رسانه مهم است که در طول سالها ایجاد و بهره برداری می شوند.

سازمانهای تروریستی همچنین می توانند به دادگاهها، محل ها و عوامل دلسوز و فعال در موقعیتهای رسانه ای مراجعه کنند، به ویژه به سرویسهای مخابراتی و در برخی موارد حتی ممکن است از طریق تامین بودجه کنترل بنگاههای کوچک خبری را برعهده بگیرند.

دلیل و پیانه تروریست ها بر این اساس است که رسانه مشروعیت چیزی را که اغلب به عنوان دشمنی دیرین ایدئولوژی و شخصیتی یا جدایی میان گروهی نظامی

طالبانی به صورت کافر و مسلمان تبلیور می یافت. به این معنا که از نگاه فاشیسم طالبانی یا باید مسلمان بود و یا مرگ را باید اختیار کرد. وقتی طالبان در سال ۱۹۹۷ شمال افغانستان را به تصرف خویش در آوردند، رسما از تمام مساجد شهر اعلام کردند که شیعه ها سه راه بیشتر در پیش ندارند: یا مذهب خویش را تغییر دهند و مسلمان شوند، یا از افغانستان خارج شده و به ایران بروند و یا آماده مرگ باشند. حتی سازمان دیده بان حقوق بشر سخنان «ملا نیازی» فرمانده طالبان را که از بلندگوی مسجد مرکزی شهر شنیده می شد، به طور کامل ضبط کرده است؛ او در این سخنان می گوید: «هزاره ها (شیعه) مسلمان نیستند، و ما باید آنها را بکشیم، یا شما قبول کنید که مسلمان شوید، یا افغانستان را ترک کنید.» بنا بر این همانطور که در نگاه فاشیست های کلاسیک نژاد و ملت های خاص به عنوان سرآمد دیگران بودند، در نگاه فاشیسم طالبانی نیز مسلمان، آن هم از نوعی خاص سرآمد دیگران است و کسانی که مثل آن ها نمی اندیشند و در مسلک آن ها قرار ندارند، مستحق کشته شدن است.

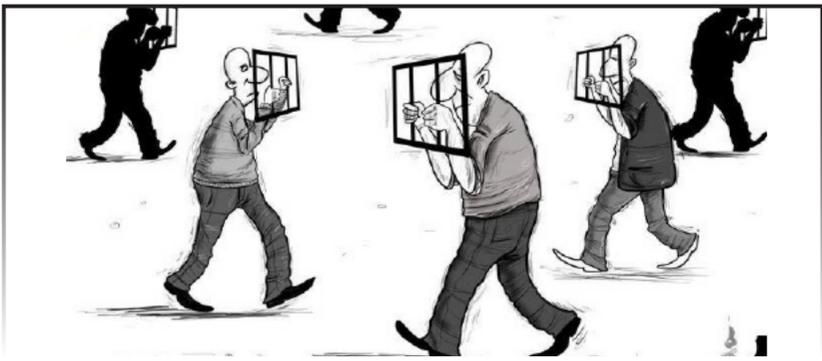
ارزیابی فاشیسم به لحاظ عمل تتوری و عمل در چشم انداز ایدئولوژی های فاشیستی به تمام معنا دو روی یک سکه هستند. به عبارت دیگر همه ایدئولوژی های فاشیستی در این مساله اتفاق نظر دارند که وقتی به چیزی می اندیشی باید آن را جامه عمل بپوشانی. آن چه که به عنوان مبانی و اصول نظریه های فاشیستی بیان کردیم، صرفا باورهای فلسفی انتزاعی نیستند، بلکه در واقع راهکارهایی برای عمل اند. فاشیست ها اگر با خرد و خردباوری دشمنی می ورزند، تنها به احساس دشمنی اکتفا نمی کنند، بلکه در هر حال آن را عملی نیز می سازند. یا اگر به تنازع و ایده بقای صلح قایل می شوند، در عمل نیز برای بقای خود، به مثابه موجود صلح و برتر، به هر خشونتی دست می زنند. اگر به نخبه گرایی و پیشوا عبده تقسیم می کرد: سازندگان فرهنگ، حاملان فرهنگ و نابودکنندگان فرهنگ. به نظر او ژرمن ها سازندگان فرهنگ، نژاد زرد حاملان فرهنگ و یهودیان، نابودکنندگان فرهنگ بودند. به همین خاطر او طرح «هداشد نژادی» یا «قطع نسل نژاد پست» را مطرح کرد که بر اساس آن باید یهودیان، بیماران روانی و روانی، جانیتهار و... باید از بین برده می شدند. چنین دوگانه انگاری شدید در فاشیسم

خود و سرنوشت خود را تحت قیوموت یک فرد به عنوان پیشوا و رهبر قرار دهند. ۴- گذشته گرایی یا سلفیسم هم در فاشیسم کلاسیک و هم در فاشیسم مذهبی طالبان نوعی ششددی از گذشته گرایی و میل به بازگشت به یک جامعه آرمانی در گذشته وجود دارد. به گفته یی وود در تمام فاشیسم ها به گذشته برای به تصویر کشیدن اسطوره یک عصر طلایی تاریخی می نگرند. در این قسمت شاید طالبان و آیدبال های طالبانی و بنیادگرایی شاید با فاشیسم آلمانی بیشتر قرابت داشته باشد. چرا که فاشیسم ایتالیایی در عین حالی که نگاهی به گذشته طلایی داشت، نوعی آینده نوین را نیز طراحی بود. عملی در فاشیسم آلمانی گذشته گرایی به شکل واقعی آن وجود داشت، همان گونه در حکومت طالبان بازگشت به گذشته به صورت یک آرمان مطرح بود. بر اساس عقاید نازی ها، ژرمن ها مردمانی دقتان پیشه و کشاورزی هستند که برای کار جسمانی مناسب هستند. بنا براین کار در شهرهای پرجمعیت، کسالت آور و ناسالم، روحیه مردم آلمان را ضعیف کرده و تیار نژادی انسان را تهدید می کند. عین همین برداشت از تمدن جدید در زمان طالبان وجود داشت. البته نباید فراموش کرد که محتوای ایدئولوژیکی این دو برداشت تفاوت داشت: به این معنا که تمدن جدید در نگاه نازی ها برای نژاد و تبار نژادی ژرمن ها مضر

در آمدی بر مشابهت های فاشیسم کلاسیک و بنیادگرا

قسمت سوم

محمد هدایت



بود، در حالی که در نزد طالبان فساد آوری تمدن جدید برای دین و روان انسان ها ضربه وارد می کرد. اما طبیعی بود که هم فاشیسم کلاسیک و هم فاشیسم طالبانی، ناگزیر بودند که برای اهداف خود از مدرن ترین تجهیزات مخابراتی و تسلیحاتی استفاده کنند. همانگونه که در این مساله اتفاق نظر دارند که به یک ماشین جنگی غول پیکر در سطح جهان مبدل گردید، در عصر طالبان نیز از مدرن ترین تجهیزات جنگی استفاده می شد.

۵- سرآمد گرایی و تقسیم کردن جهان به دو قسمت خیر و شر و یا ضعیف و قوی و ما و دیگری از مهم ترین خصیصه های مشترک همه انواع فاشیسم است. در نزد آلمان ها ژرمن ها به مثابه نژاد برتر حق داشتند که یهودیان و دیگر انسان های غیر اصیل را از بین ببرند. هیتلر انسان ها را به سه قسمت عده تقسیم می کرد: سازندگان فرهنگ، حاملان فرهنگ و نابودکنندگان فرهنگ. به نظر او ژرمن ها سازندگان فرهنگ، نژاد زرد حاملان فرهنگ و یهودیان، نابودکنندگان فرهنگ بودند. به همین خاطر او طرح «هداشد نژادی» یا «قطع نسل نژاد پست» را مطرح کرد که بر اساس آن باید یهودیان، بیماران روانی و روانی، جانیتهار و... باید از بین برده می شدند. چنین دوگانه انگاری شدید در فاشیسم

اقلیت خردمند بدهد و بر اساس همین اندیشه نوعی پیشواجویی فاشیستی ظهور کرد و به گفته دکتر عالم جنگ جهانی اول زمینه رشد چنین تفکری را فراهم کرد. موسولینی خود را «دوچه» (Duce) و هیتلر خود را «فورهر» (Führer) می نامیدند و هر دو واژه به معنای پیشوا است. رهبر یا پیشوا در فاشیسم کلاسیک تنها اصل رهنمودی یک دولت فاشیست و دارای قدرت قانونی و اقتدار ایدئولوژیکی تا محدود بود.

اما در حکومت طالبان رهبر یا عنوان «امیرالمومنین» خطاب می شد و اصطلاح امیرالمومنین تداعی کننده عنوان خاصی خلیفه دوم در تاریخ اسلام بود. همان گونه که پیشوا در نظام های فاشیستی تنها قدرت عالی بود که مافوق خود مرتبه ای دیگری را نمی شناسخت، امیرالمومنین در حکومت طالبان، نیز همان نقش را داشت. در زمان حکومت طالبان اکثر قوانین و مقررات به وسیله امیرالمومنین به صورت فرمان های لازم الاجرا و لازم الاطاعه، صادر می گردید. رهبر یا امیرالمومنین اختیار تمام قوا را در اختیار داشت و هرگونه که می خواست، عمل می کرد. به لحاظ روانشناسی اجتماعی که اریک فروم در دو کتاب مهم گریز از آزادی و هراس از آزادی، مطرح می کند، انسان ها به لحاظ روانی در شرایط بی نظمی و بحران، همواره دوست دارند که از آزادی بگریزند و

۳- نخبه گرایی یا پدرسالاری یکی دیگر از مفروضه های فلسفی فاشیسم نخبه گرایی و اصل رهبری کاریزماتیک است که در طالبان به گونه ای دیگر تبلیور یافته است. در اندیشه فاشیسم فرد باید تابع دولت باشد و حکومت اکثریت نادان- چنانکه که در لیبرالیسم و سوسیالیسم مطرح می شد- جای خود را به حکومت



- بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله یانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com